

زحمت اسباب‌کشی در «اسباب زحمت»

سریال «اسباب زحمت» به کارگردانی سعید آقاخانی بعد از توقف پخش به دلیل شروع جنگ تحمیلی سوم، در جدول پخش جدید شبکه یک سیما جای گرفت و از این به بعد در روزهای زوج ساعت ۲۲ پخش خواهد شد. داستان اسباب زحمت درباره چند کارگر بابرری است که با حضور در منازل و اماکن مختلف برای اسباب‌کشی، وارد ماجراها و موقعیت‌های طنزآمیز می‌شوند. در این سریال بازیگرانی چون سعید آقاخانی، حسن معجونی، عباس جمشیدی‌فر، کمند امیرسلیمانی، عاطفه باقری، تارا آقاخانی، هومن حاجی عبداللهی، سیند امیرسلیمانی، نیما صور، بیتا سحرخیز، رامین ناصر نصیر، سوسن پرور، کریم قربانی، رضا کریمی، افشین سنگ چاپ، شراره درشتی، فریده سیاه‌منصور و... ایفای نقش کرده‌اند. حسام آقاییابی‌پور تهیه‌کننده سریال درباره دلیل موفقیت و جذب مخاطب سریال اسباب زحمت آقاخانی نسبت به شیش ماهه مه‌ران مدیری گفت: هرچند دوستان و تیم آقای مه‌ران مدیری زحمت کشیدند اما مدل کارها متفاوت است. آقای آقاخانی در طول این سال‌ها که می‌نوشتند و بازی و کارگردانی می‌کردند، مدل ساده‌ای را پیش می‌گرفتند. هر کدام از داستان‌های ایشان درباره قصه‌های روز جامعه است، که ما در آن زندگی می‌کنیم. این سوزه‌ها برای مردم ملموس است و مخاطبان آن را پس نمی‌زند. دلیل موفقیت داستان‌های آقای آقاخانی نیز همین است. آقاییابی‌پور در پاسخ به این سؤال که چه شد ماجرای داستان از یک اسباب‌کشی و جابه‌جایی رخ می‌دهد، توضیح داد: ماجرای اسباب زحمت راجع به چهار کارگر بابرری است که به خانه‌های مردم می‌روند و ما با قصه‌های آنها مواجه می‌شویم؛ از جمله مسأله اسباب‌کشی، رمز ارز و... در واقع هر کدام از شخصیت‌ها با موضوعاتی که جامعه با آن درگیر است، دست و پنجه نرم می‌کند.



تهیه‌کننده سریال اسباب زحمت درباره لزوم جابه‌جایی و اسباب‌کشی به شهرهایی نظیر جاجرد، بسطام، شاهرود، مشهد و سمنان توضیح داد: می‌خواستیم سریال را از یکنواختی خارج کنیم و محیط‌های کمتر شناخته شده را نشان دهیم. البته قصه اصلی از بسطام آغاز شده. منزل سکونت شخصیت احمد با بازی سعید آقاخانی در بسطام است. در واقع هدف فاصله گرفتن مخاطب از فضای آپارتمانی بود. هرچند این کار تولید سریال را بسیار سخت کرد. چون علاوه بر اسباب‌کشی، اسباب و اثاثیه متفاوت، اکسسوار و چیدمان داشتیم و تولید این سریال یک کار پردردسر بود. حتی بیشتر اوقات ماشبانه‌روزی کاری می‌کردیم، تا به پخش برسیم.

وی در پاسخ به این سؤال که سریال اسباب زحمت نسبت به سریال اخیر آقای آقاخانی یعنی نون. خ شباهتی دارد، بیان کرد: این دو سریال کاملاً زحم متفاوت هستند. سریال اسباب زحمت فضایی کاملاً شهری دارد و برخلاف نون. خ بومی نیست، چون برای یک قومیت ساخته شده بود. از آنجا که خط داستانی آقای آقاخانی همیشه خانواده است، می‌توان خانواده را در هر دو سریال مشترک دید. محور داستان اسباب زحمت یک کامیون اسباب‌کشی است؛ محل کار احمد، ناصر و صادق که هنگام جابه‌جایی اثاثیه خانه‌ها، با آدم‌ها و موقعیت‌های مختلفی درگیر می‌شوند و هر کدام قصه شخصی خودشان را دنبال می‌کنند. کامیون آن قدر در روایت حضور دارد که عملاً یکی از شخصیت‌های سریال به حساب می‌آید. این مجموعه ۲۶ قسمتی، به جای شوخی‌های مستقیم، بیشتر روی موقعیت‌های آشنا برای مخاطب حساب باز کرده؛ سوءتفاهم، دست و پنجه نرم‌کردن با مشکلات اقتصادی، دعوای خانوادگی و دردسرهای روزمره، مواد اولیه طنز سریال را می‌سازند. بازی آقاخانی مقابل دوربین، در نقش احمد، طبیعتاً یادآور نورالدین خانزاده می‌شود؛ هرچند سازندگان کوشیده‌اند با تغییر لحن شخصیت، فاصله‌ای بین این دو ایجاد کنند. برخلاف نون. خ که حول یک خانواده و یک جغرافیای مشخص می‌چرخید، این بار قصه، شخصیت‌های شهری متفاوتی را کنار هم نشانده است. از کارگری که همه دار و ندارش را برای خرید یک کامیون فروخته و بعد سرمایه‌اش را در بازار رومارز باخته تا پسر جوان مجردی که زندگی ساده‌ای دارد و حالا گرفتار یک دلبستگی عاطفی شده؛ شخصیت‌هایی که برای مخاطب چندان غریبه نیستند و همین نزدیکی به زندگی واقعی، شاید بتواند مخاطب را با سریال همراه کند.

سعید سعدی تهیه‌کننده سریال «روای نیمه شب» درباره روند شکل‌گیری این اثر گفت: قصه این سریال براساس رمانی آماده بود که دوستان در سازمان اوج مدت‌ها روی آن کار کرده بودند. از زمان تولید سریال «عشق کوفی» درباره این اثر تاریخی صحبت‌هایی داشتیم و پس از آن به سید حسین امیرجهرانی که پیش از این در سریال «نجلا» با او همکاری کرده بودم، پیشنهاد شد نگارش فیلمنامه را براساس این



سریال روای نیمه شب با اشاره به ظرفیت‌های داستانی این مجموعه اظهار کرد: با توجه به آن‌که این اثر براساس یک رمان نوستالژیک ساخته شده، پیش‌بینی می‌کنیم مخاطبان با آن ارتباط برقرار کنند. تلاش کردیم اثری تولید کنیم که مخاطب به تماشای آن ترغیب شود. شخصیت‌های متعددی در این سریال حضور دارند و همه بازیگران برای ایفای نقش‌های خود زحمت زیادی کشیده‌اند.



کنار دیگر تولیدات تلویزیونی، بخشی از ظرفیت جدید کندانکور راه خود اختصاص داده است. در واقع تصویر این روزهای تولید تلویزیون را نمی‌توان فقط با پروژه‌هایی که هنوز مقابل دوربین هستند سنجید. بخشی از تولیدات ماه‌های گذشته اکنون به مرحله نمایش رسیده‌اند و نتیجه سرمایه‌گذاری تولیدی تلویزیون را روی آنتن می‌بینیم.

در کنار آن برنامه‌هایی همچون «پدر امت» و «منم بچه مسلمان» نیز در دوره اخیر تولید و پخش شده‌اند و هر کدام مخاطب و کارکرد متفاوتی داشته‌اند. منم بچه مسلمان نیز در فصل جدید خود با تمرکز بیشتر بر مفاهیم دینی و وطن‌دوستی روی آنتن شبکه‌های قرآن و پویا رفت.

سینما هم از غزالی بی‌نصیب نیست

اما فعالیت‌های این روزهای شهرک و اطراف آن فقط به سریال‌های تلویزیونی محدود نمی‌شود. در حوزه سینما نیز پروژه‌هایی در مسیر تولید یا پس تولید قرار دارند. «تاییپست» به کارگردانی هادی نوری و تهیه‌کنندگی بهرام رادان یکی از پروژه‌های سینمایی تاریخی است که پیشتر خبرهای مختلفی درباره روند تولید آن منتشر شده. رادان علاوه بر تهیه‌کنندگی، به عنوان بازیگر نیز به پروژه پیوسته است. این فیلم روایت زندگی یک دختر عریضه‌نویس در دوران پهلوی است. از سوی دیگر، «عشق در انفرادی» تازه‌ترین ساخته مسعود کیمیایی با تهیه‌کنندگی علی واجی، فیلمبرداری خود را پشت سر گذاشته و وارد مراحل پس از تولید شده است. این پروژه که به دلیل شرایط جنگی با وقفه مواجه شده بود، در ادامه دوباره مقابل دوربین رفت و فیلمبرداری آن به پایان رسید. این یعنی در کنار تلویزیون، بخشی از جریان تولید سینمایی نیز همچنان فعال است و پروژه‌هایی که ماه‌ها درگیر پیش تولید و تصویربرداری بوده‌اند، آرام‌آرام به مرحله نهایی نزدیک می‌شوند.

کندانکور آماده می‌شود و در کنار آنها، آثار دیگری نیز در مراحل مختلف تولید و پس تولید قرار دارند. البته چالش اصلی همچنان یابرجاست؛ تأمین بودجه و حفظ استمرار تولید. تجربه شکیب عیار نشان می‌دهد حتی روشن بودن دوربین هم به معنای تضمین ادامه مسیر نیست. از سوی دیگر، سلمان فارسی نشان داده پروژه‌های بزرگ تاریخی بیش از هر اثر دیگری به برنامه‌ریزی بلندمدت، منابع مالی پایدار و صبر نیاز دارند. با این همه، اگر قرار باشد از حال و هوای این روزهای شهرک غزالی یک تصویر ارائه کنیم، شاید بهترین تعبیر این باشد: شهری از دگرهای تاریخی که هنوز صدای «اکشن» در آن شنیده می‌شود؛ از ابرار باستان و اصفهان صفوی تا کارآگاهان تهران قدیم.

شود؛ موضوعی که در راستای سیاست‌های کلان توسعه سواحل مکران و مناطق جنوبی ایران قرار دارد. این برنامه ظرفیت‌های اشتغال‌زایی در حوزه صنایع دستی بومی، گردشگری دریایی و بهره‌برداری هوشمندانه از منابع طبیعی را به شکل غیرمستقیم برای مخاطب تبیین کرد.

پشتوانه تولید و رویکرد بومی

انتخاب کامران تفتی به عنوان مجری با توجه به اصالت جنوبی او یکی از نقاط قوت تیم تولید به سرپرستی محمد رحیمی تهیه‌کننده و سجاد شهرپاری کارگردان بود تا فضای برنامه با حس نزدیکی بیشتری به فرهنگ منطقه همراه شود. او با تسلط بر لحن و فرهنگ مردم منطقه توانست پیوند عمیق‌تری میان شرکت‌کنندگان و فضای بومی برقرار کند. هدف نهایی سازندگان معرفی ظرفیت‌های اقتصادی گردشگری و فرهنگی هرمز بود که در قالب ایده‌پردازی مدیریت منابع و کارآفرینی بومی عرضه شد. جواهر سرخ در مجموع تلاش کرد ثابت کند تلویزیون همچنان می‌تواند از دل سرگرمی مفاهیم عمیق اجتماعی را بیرون بکشد. این برنامه با تلفیق موفقیت‌آمیز هیجان مسابقه‌های پرترتم و پیام‌های آموزشی جدی توانست استاندارد تازۀ در این ژانر ایجاد کند. بازپخش این برنامه در شرایط فعلی که توجه به اقتصاد دریایچه و ظرفیت‌های جنوب ایران در اولویت قرار دارد، یادآور این نکته است که رسانه می‌تواند با بهره‌گیری از فرم‌های خلاقانه، ضمن پرکردن اوقات فراغت خانوار، به بستری برای الهام بخشی عمومی در راستای توسعه پایدار تبدیل شود. تداوم این دست برنامه‌ها مشروط به حفظ تعادل دقیق میان هیجان تلویزیونی و عمق محتوایی است تا مخاطب در عین سرگرم شدن، ضرورت‌های روز کشور را نیز لمس کند و به آینده‌ای که با دستان خود و در اقلیم غنی کشور ساخته می‌شود امیدوار گردد.

رمان برعهده بگیرد. وی افزود: نگارش فیلمنامه حدود یک سال طول کشید. در ابتدا چندماه با یک کارگردان دیگر پیش رفتیم اما بنابر دلایلی این همکاری ادامه پیدا نکرد و پس از آن حسن آخوندپور به گروه پیوست و تولید آغاز شد. ساخت این سریال بیش از یک سال به طول انجامید و بخش‌های مختلف آن در شهرک‌های غزالی، دفاع مقدس و همچنین آبادان و خرمشهر تصویربرداری شد. تهیه‌کننده



سریال‌های دوربین روشن در غزالی

«جام جم» از پروژه‌های این روزهای شهرک سینمایی و تلویزیونی ایران گزارش می‌دهد

هنوز نمی‌توان زمان قطعی روی آنتن رفتن سریال را اعلام کرد. آنچه روشن است این‌که تولید همچنان ادامه دارد و تلویزیون نیز پروژه را برای پخش در سال ۱۴۰۵ دنبال می‌کند.

شکیب عیار» به‌سوی آنتن

پروژه تاریخی دیگری که این روزها در غزالی مقابل دوربین است، «شکیب عیار» به کارگردانی علی هاشمی و تهیه‌کنندگی بهروز مفید است؛ سریالی که بسیاری در ابتدا آن را فصل دوم «مهیبار عیار» تصور می‌کردند اما در واقع داستانی مستقل است که چند سال پیش از وقایع مهیبار عیار اتفاق می‌افتد. قصه این بار به اصفهان پیش از ورود شاه عباس می‌رود؛ روزگاری که شهر با ضعف حکومت مرکزی، اختلاف گروه‌های قدرت و ناامنی دست و پنجه نرم می‌کند. قرار است در بخش‌های پایانی سریال، کودکی مهیار نیز دیده شود تا ارتباط داستانی میان دو مجموعه شکل بگیرد. حمیدرضا نگاه نقش اصلی «شکیب عیار» را بازی می‌کند و سریال با ترکیبی گسترده از بازیگران ساخته می‌شود. طبق اعلام تهیه‌کننده، این پروژه در مجموع ۹۲ بازیگر دارد و همین مسأله در کنار طراحی صحنه، لباس و دکورهای تاریخی، تولید آن را به پروژه‌ای سنگین تبدیل کرده است.

کارآگاه علوی؛ بازگشت یک نام آشنا

در کنار این دو پروژه، شهرک غزالی همچنان میزبان فصل تازه

برش

غزالی؛ شهرک همیشه روشن

مورر پروژه‌های در حال تولید و آثار تازه‌رسیده به آنتن، یک تصویر روشن از وضعیت این روزهای تولیدات نمایشی ارائه می‌کند: غزالی هنوز زنده است و دوربین‌ها خاموش نشده‌اند. «سلمان فارسی» به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های تاریخی تلویزیون، همچنان راه طولانی تولید را ادامه می‌دهد. شکیب عیار تلاش می‌کند خود را به آنتن نوروزی برساند، کارآگاه علوی برای بازگشت به

کیمیایگری در خاک سرخ

«جواهر سرخ» الگوی رسانه‌ای برای پیوند سرگرمی و اقتصاد دریایچه شناخته می‌شود

بحران، جوهره کارآفرینی

آنچه جواهر سرخ را از سایر مسابقات جدا می‌کند، تاکید بر فرآیند تصمیم‌گیری جمعی است. در هر مرحله شرکت‌کنندگان نه به عنوان رقبای فردی بلکه به عنوان اعضای یک تیم کسب‌وکار با چالش‌های محیطی مواجه می‌شوند. آنها مجبور بودند با بهره‌گیری از تخصص‌های متفاوت هنری، ورزشی و علمی خود، منابع محدود را مدیریت کرده و برای مشکلات پیش‌بینی‌نشده در جزیره راه‌حل‌های آبی بیابند. این بخش از برنامه در واقع شبیه‌سازی کوچکی از فضای پرفشار کارآفرینی بود که به مخاطب نشان می‌داد موفقیت حاصل هماهنگی تحمل سختی و هم‌افزایی تخصص هاست. هر تصمیم غلط می‌توانست به قیمت شکست تیم در یک مرحله تمام شود و همین امر، وزن استرس و اهمیت مدیریت بحران را در مسابقه بالا می‌برد.

برنامه تنها بر رقابت متمرکز نماند و تلاش کرد مزیت‌های رقابتی جزیره هرمز را نیز روایت کند. جواهر سرخ با معرفی غذاهای محلی با عطر و طعم جنوبی، آداب معاشرت بومیان خونگرم و نمایش پتانسیل‌های گردشگری پایدار، به نوعی مستند-مسابقه بدل شد. سازندگان با این کار بستری فراهم کردند تا بیننده با چشم‌اندازهای اقتصادی این منطقه آشنا



برنامه به‌گونه‌ای بود که در نهایت برگزیدگان هر گروه به مرحله نهایی راه یافتند. از جمله ویژگی‌های متمایز برنامه، طراحی چالش‌های دشواری بود که توان انطباق شرکت‌کنندگان را می‌سنجید. برای مثال در مرحله فینال چالشی ۲۴ ساعته برای شرکت‌کنندگان طراحی شد که در آن دسترسی محدود به منابع اولیه، نبود آب آشامیدنی و شرایط سخت آب‌وهوایی جزیره، ضرورت مدیریت ابزارهای موجود برای بقا و پیشبرد ایده را بیش از پیش نمایان کرد. این بخش به‌وضوح سختی‌های مسیر کارآفرینی در محیط‌های چالش‌برانگیز را به‌تصویر کشید و نشان داد چگونه محدودیت می‌تواند موتور محرک خلاقیت باشد.

این روزها که همه نگاه‌ها به سمت جنوب کشور و مردمان دلاور این خطه معطوف شده، بازپخش مسابقه تلویزیونی جواهر سرخ از شبکه نسیم فرصتی مغتنم برای مرور ظرفیت‌های این پهنه استراتژیک از دریچه سرگرمی‌های هدفمند است. این برنامه که با پیوند میان هیجان رقابتی و آموزش مهارت‌های کارآفرینی شکل گرفته، تنها یک سرگرمی ساده نیست بلکه الگویی است که ضرورت آن در شرایط فعلی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود چراکه نمایش پتانسیل‌های بومی و روحیه خوداتکایی مردمان جنوب در قالبی جذاب، راهکاری کلیدی برای آگاهی‌بخشی و تزریق امید به نسل جوان است تا در مواجهه با چالش‌های واقعی با تکیه بر خلاقیت و کار جمعی مسیر توسعه را هموار سازند.

جاذبه‌های سحرانگیز

یکی از نقاط قوت این برنامه انتخاب جزیره هرمز به عنوان مرکز ثقل روایت است. در جواهر سرخ، جزیره صرفاً یک پس‌زمینه نیست بلکه بازیگری فعال است. هرمز با خاک‌های رنگارنگ و دره‌های تندیس‌وار خود که گویی از دل افسانه‌ها بیرون آمده‌اند، بستری فراهم کرد تا شرکت‌کنندگان نه در فضای استودیویی بلکه در محیطی زنده با چالش‌های واقعی زیستن و کسب‌وکار مواجه شوند. رنگ‌های بی‌نظیر خاک سرخ که نماد هویت این جزیره است، در کنار ساحل نقره‌ای و دره سکوت، فضایی بصری خلق کرد که هیچ استودیویی قادر به بازسازی آن نیست. این جزیره با داشتن جاذبه‌هایی چون قلعه پرتغالی‌ها و فرش خاکی، نه تنها چشم‌نوازی می‌کرد بلکه الهام‌بخش شرکت‌کنندگان



امیر کودری

گروه رسانه